

که یکدرجه پائینتر از شهرستان است ، ارگانهای قدیمی قدرت تقریباً همگی در دست مستبدین محلی و متنفذین شریر بودند . "دو" جمعیتی برابر ۱۰ تا ۵ هزار و یا ۶ هزار نفر را در قلمرو خود داشت ، دارای نیروی مسلح مخصوص خود بود مانند گارد دفاع ، حق داشت مستقلاً مالیات ببندد مانند مالیات ارضی بر حسب "مو" (۱۶) ، وقوه قضائی مستقل داشت مثلاً حق داشت خودسرانه دهقانان را بگیرد ، بزندان بیندازد ، از آنها بازجوئی کند و آنها را کیفر دهد . متنفذین شریر که در این ارگانها عضویت داشتند ، در واقع پادشاهان روستا بودند . دهقانان از رئیس جمهوری ، از "دوجیونها" (۱۷) و فرمانداران شهرستانها کمتر حساب میبردند ؛ ولی این پادشاهان روستا "خداوندگاران" واقعی دهقانان بودند ؛ این "خداوندگاران" سرفه که میکردند ، دهقانان میدانستند که باید برحذر باشند . اما اکنون شورش دهقانان در روستا در همه جا قدرت مالکان ارضی را در هم شکسته و تمام ارگانهای قدرت روستائی که در دست مستبدین محلی و متنفذین شریر بودند ، طبیعتاً فرو ریخته‌اند . رؤسای "دو" و "توان" مخفی شده‌اند و جرأت ندارند سرشان را از خانه بیرون آورند . آنها تمام امور محلی را به اتحادیه‌های دهقانی واگذار کرده‌اند . و وقتی مردم به آنها مراجعه میکنند ، آنها میگویند :

"این کار به من مربوط نیست ."

وقتی که دهقانان از این رؤسا گفتگو میکنند ، با خشم میگویند :

"این پست فطرتها ، کارشان دیگر تمام شده‌است !"

این عبارت "کارشان دیگر تمام شده‌است" وضع ارگانهای قدرت قدیمی را در مناطق روستائی ، مناطقی که موج انقلاب آنها را پاك کرده است ، بخوبی توصیف میکند .

۵ - واژگونی نیروهای مسلح مالکان ارضی و ایجاد نیروهای مسلح دهقانان

تعداد نیروهای مسلح مالکان ارضی در حونان مرکزی نسبتاً کم است ، ولی در مغرب و جنوب این استان نسبتاً زیاد است . اگر برای هر شهرستان بطور متوسط ۶۰۰ تفنگ حساب کنیم ، برای ۷۵ شهرستان رقم ۴۵۰۰۰ بدست میآید ، ولی در واقع شاید از این رقم هم بیشتر باشد . در مرکز و جنوب حونان یعنی در مناطقی که جنبش دهقانی رشد یافته ، مانند شهرستانهای نین سیان ، پین جیان ، لیویان ، چان شا ، لی لین ، سیان تن ، سیان سیان ، ان هوا ، حن شان ، حن یان دهقانان با چنان شور نیرومندی به قیام برخاستند که مالکان ارضی قادر به دفاع از خویش نگردیدند و واحدهای مسلح آنها غالباً خود را در اختیار اتحادیه‌های دهقانی گذاردند و جانب دهقانان را گرفتند . گروه کوچکی از واحدهای مسلح مالکان ارضی مثلاً در شهرستان بائو چین در عین آنکه متمایل به تسلیم در برابر دهقانان است موضع بیطرفی اختیار کرده است . گروه كوچك دیگری از این واحدهای مسلح - مثلاً در شهرستانهای ای جان ، لین او و جیا هه - نسبت به اتحادیه‌های دهقانی روش خصمانه‌ای اتخاذ نموده است ، ولی اکنون این گروه مورد حمله دهقانان قرار گرفته و با احتمال قوی بزودی نابود خواهد شد . نیروهای مسلحی که از چنگ مالکان ارضی مرتجع بیرون کشیده شده‌اند ، همه بصورت "واحدهای دائمی گارد مزرعه" (۱۸) تجدید سازمان یافته و در زیر فرمان ارگانهای خود مختار جدید روستائی که ارگانهای قدرت سیاسی دهقانان است ، قرار خواهند گرفت . بدست گرفتن این نیروهای مسلح قدیمی یکی از راههای ایجاد نیروهای مسلح دهقانی است . راه دیگر که تازه برگزیده شده عبارت است از ایجاد واحدهای

نیزه‌دار اتحادیه‌های دهقانی . هر نیزه از دسته بلندی تشکیل میشود که انتهای آنرا قطعه‌ای آهن تیز که دارای دو لبه برنده است ، میپوشاند . تنها در شهرستان سیان سیان شماره این نیزه‌ها به یکصد هزار میرسد . در شهرستانهای دیگر مانند سیان تن ، حن شان ، لی لین و چان شا تعداد نیزه‌ها از هفتاد تا هشتاد هزار ، پنجاه تا شصت هزار ، و یاسی تا چهل هزار تغییر میکند . در تمام شهرستانهایی که جنبش دهقانی آنها را فرا گرفته ، تعداد این واحدها سرعت افزایش می‌یابد . دهقانان مسلح به نیزه بصورت "واحدهای موقت گارد مزرعه" سازمان می‌یابند . این واحدهای نیزه‌دار بزرگ نیرومندتر از واحدهای مسلح قدیمی‌اند که در بالا بدانها اشاره شد ؛ این نیروی مسلحی است که بتازگی ایجاد شده و مستبدین محلی و متنفذین شریر را بلرزه در آورده است . مقامات انقلابی حونان باید واقعاً این شکل سازمانی نیروهای مسلح را به بیش از ۲ میلیون دهقانی که در ۷۵ شهرستان استان ساکن‌اند ، توسعه دهند و کاری کنند که هر دهقان جوان یا سالمند یک نیزه داشته باشد . مقامات انقلابی نباید به تصور اینکه این نیزه‌ها وحشتناک‌اند ، تعداد آنها را محدود نمایند . انسان واقعاً باید خیلی بزدل باشد که از دیدن این واحدهای نیزه‌دار بوحشت افتد . فقط مستبدین محلی و متنفذین شریر از این واحدها در هراس‌اند ، ولی انقلابیون نباید از آنها بترسند .

۶ - در هم شکستن اقتدار سیاسی

حاکم شهرستان و مأمورین اجراء وی

ارگان قدرت شهرستان را نمیتوان تصفیه کرد مگر اینکه دهقانان خود بپاخیزند ؛ این حقیقتی است که در حای فون واقع در استان گوان دون

بائبات رسیده است . اینبار بخصوص حونان نمونه بارز دیگری بدست میدهد . در شهرستانهایی که قدرت در دست مستبدین محلی و متنفذین شریر است ، تقریباً تمام کسانی که حاکم شهرستان میشوند مأمورین فاسد و مختلساند . اما در شهرستانهایی که دهقانان پیاخته‌اند ، ارگان قدرت ، هر کس که در رأس آن باشد ، پاك است . در شهرستانهایی که من توقف داشتم ، حکام شهرستان ، در هر کاری قبلاً میبایست با اتحادیه‌های دهقانی مشورت کنند . در شهرستانهایی که قدرت دهقانان بسیار نیرومند است ، حرف اتحادیه‌های دهقانی واقعاً معجزه میکند . اگر اتحادیه دهقانی توقیف يك مستبد محلی یا يك متنفذ شریر را صبحدم طلب کند ، حاکم شهرستان جرأت ندارد آنرا تا ظهر بتأخیر اندازد و اگر توقیف را ظهر مطالبه کند ، حاکم شهرستان جرأت ندارد آنرا تا بعد از ظهر معوق گذارد . در نخستین مرحله استقرار قدرت دهقانان در روستا ، حکام شهرستانها برای اینکه علیه دهقانان بمقابله برخیزند ، با مستبدین محلی و متنفذین شریر ساخت و پاخت کردند . موقعی که اقتدار دهقانان بدرجه اقتدار مالکان ارضی رسید ، حکام شهرستانها روشی در پیش گرفتند تا خود شانرا نزد هر دو طرف خوبه کنند ؛ آنها بعضی از تصمیمات اتحادیه‌های دهقانی را می‌پذیرفتند و تصمیمات دیگر را رد میکردند . آنچه که من در فوق در باره تأثیر معجزه آسای حرف اتحادیه‌های دهقانی گفتم ، مربوط به حالتی است که قدرت مالکان ارضی از طرف دهقانان بکلی در هم شکسته شده بود . فعلاً وضع سیاسی در شهرستانهای سیان سیان ، لی تن ، لی لین و حن شان از قرار زیر است :

۱ — کلیه امور توسط شورای متحده حل و فصل میگردد که از فرماندار

شهرستان و نمایندگان سازمانهای انقلابی توده‌ای تشکیل شده است . این شورا

که از طرف فرماندار دعوت میشود ، در فرمانداری شهرستان تشکیل میگردد .

در بعضی از شهرستانها آنها را "شورای متحده حکومت محلی و سازمانهای توده‌ای" مینامند، و در برخی دیگر "شورای امور شهرستان". در این شوراها علاوه بر فرماندار نمایندگان سازمانهای شهرستانی زیر هم شرکت دارند: اتحادیه دهقانی، اتحادیه کارگری، اتحادیه بازرگانان، سازمان زنان، اتحادیه معلمان و کارمندان مدارس، سازمان دانش‌آموزان، کمیته شهرستانی گومیندان (۱۹). در جریان این جلسات فرماندار تحت تأثیر نظرات نمایندگان سازمانهای توده‌ای قرار میگیرد و سرانجام همیشه به میل و اراده آنها تن در میدهد. تردیدی نیست که در حونان برای ارگانه‌های قدرت در شهرستانها میتوان سیستم دموکراتیک کمیته‌ای را پذیرفت. ارگانه‌های کنونی قدرت در شهرستانها چه از لحاظ شکل و چه از لحاظ ماهیت بسیار دموکراتیک شده‌اند. چنین وضعی فقط در دوسه ماه اخیر پدید آمده است یعنی از زمانیکه دهقانان در سراسر روستا برخاسته و قدرت مستبدین محلی و متنفذین شریر را در هم شکسته‌اند. تنها هنگامیکه حکام شهرستان مشاهده کردند که پشتیبانان قدیمی آنها سرنگون شده‌اند و نمیتوانند بدون پشتیبانان جدید در مقام خود باقی بمانند، کوشیدند عنایات سازمانهای توده‌ای را نسبت بخود جلب کنند. همین امر موجب پیدایش وضعی شد که ما در بالا شرح دادیم.

۲ - قضاوت مواردی برای قضاوت ندارند. سیستم قضائی حونان هنوز

به اینصورت است که حاکم شهرستان خود بکار قضاوت میپردازد و قاضی در امور محاکمه به او کمک میکند. حاکم شهرستان و زیردستانش از طریق سوء استفاده در زمینه دریافت مالیات و عوائد، از طریق تقلب و اخاذی در احضار اهالی به خدمت نظام، و در رفق و فتق امور مدنی و جنائی مال اندوزی میکردند. این شیوه اخیر سرچشمه عواید مستمر و مطمئنی برای آنها بود. در جریان ماههای اخیر با سقوط مستبدین محلی و متنفذین شریر

وکلای چاچول باز نیز ناپدید شدند . و از آنجا که تمام امور دهقانان از کوچک و بزرگ اکنون از طرف مدارج مختلف اتحادیه‌های دهقانی حل و فصل میشود ، قضات ادارات شهرستان واقعاً دیگر مواردی برای قضاوت ندارند . قاضی شهرستان سیان سیان روزی بمن گفت : "آنزمان که اتحادیه دهقانی هنوز وجود نداشت ، هر روز بطور متوسط شصت موضوع مدنی و جنائی به ادارات شهرستان میرسید ، ولی از وقتی که اتحادیه‌ها ایجاد شده‌اند ، بطور متوسط فقط روزی ۵ تا ۱۰ موضوع میرسد . " از اینجهت کیسه حاکم شهرستان و زیردستانش باید خالی بماند .

۳ - افراد گارد ، پلیس و مأمورین اجراء شهرستان همه ناپدید شده‌اند

و جرأت ندارند به دهات بروند و به اخاذی پردازند . سابقاً روستائیان از

شهری‌ها وحشت داشتند ولی اکنون جریان بر عکس شده است . بخصوص پلیس و افراد گارد و مأمورین اجراء - این سگان پلید که دست‌پروردگان مقامات شهرستان‌اند - از رفتن به دهات میترسند و وقتی هم که در دهات ظاهر میشوند ، دیگر جرأت اخاذی ندارند . آنها بمحض اینکه چشمشان به نیزه‌های دهقانان میافتد ، از وحشت بر خود می‌لرزند .

۷ - در هم شکستن اقتدار قبیله‌ای معبد نیاکان و رئیس قبیله ،

در هم شکستن اقتدار مذهبی خداوند پاسدار شهر و خداوند محلی ،

در هم شکستن اقتدار شوهران

در چین مردان معمولاً در زیر سه سیستم اقتدار قرار گرفته‌اند : ۱ -

سیستم دولتی (قدرت سیاسی) : ارگانهای قدرت در مقیاس کشور ، استان ،

شهرستان و دهستان ؛ ۲ - سیستم قبیله‌ای (قدرت قبیله‌ای) : معبد نیاکان

قبیله ، معبد نیاکان دودمان ، رؤسای خانواده ؛ ۳ - سیستم قدرتمهای

ما فوق طبیعت (قدرت مذهبی) که در هیرارشی زیر زمینی : از مالک الرقاب دوزخ گرفته تا خداوند پاسدار شهر و خداوند محلی ، و در هیرارشی آسمانی : از مالک الرقاب آسمان گرفته تا خدایان و ارواح گوناگون تشکیل شده است ؛ این نیروها در مجموع تمام سیستم قدرت ماوراء طبیعت را تشکیل می‌دهند . اما زنان علاوه بر اینها در زیر اقتدار مردها (قدرت شوهران) هم قرار دارند . این چهار شکل قدرت - سیاسی ، قبیله‌ای ، مذهبی و شوهری مبین مجموعه ایدئولوژی و سیستم فتودالی - پدرشاهی است و چون چهار ریسمان کلفتی است که خلق چین و بویژه دهقانان را در بند کرده‌است . در پیش نشان دادیم که چگونه دهقانان قدرت مالکان ارضی را در روستا در هم شکستند . قدرت مالکان ارضی ستون فقرات تمام سیستمهای قدرتی است . با خرد شدن قدرت مالکان ارضی ، قدرتهای قبیله‌ای ، مذهبی و شوهری همگی متزلزل میشوند . در جایی که اتحادیه دهقانی نیرومند است ، رئیس قبیله و صندوق‌دار معبد نیاکان دیگر جرأت ندارند با کوچکان قبیله بدرفتاری کنند و پولهای معبد را بجیب بزنند . زیانکارترین آنها مانند مستبدین محلی و متنفذین شریر سرنگون شده‌اند . آنها دیگر جرأت نمیکنند به تشبیهات بدنی غیرانسانی و همچنین به مجازاتهای اعدام که سابقاً معمول بود مانند شلاق زدن ، زنده در آب غرق کردن ، زنده بگور کردن دست زنند . رسم کهنه‌ای که بنا بر آن زنان و مستمندان در معبد نیاکان حق شرکت در طعام مذهبی را نداشتند ، نیز منسوخ شده است . در ناحیه پای گوه واقع در شهرستان حن شان انبوه زنان به معبد وارد شدند و بدون رودربایستی نشستند و به خوردن و نوشیدن مشغول شدند ، و ریش سفیدان قبیله چاره‌ای نداشتند جز اینکه آنها را بحال خود واگذارند . در نقطه دیگر گروهی از دهقانان فقیر که از شرکت در این طعام مذهبی محروم بودند ، به معبد وارد شدند و سیر خوردند و نوشیدند ، بطوریکه مستبدین محلی و

متنفذین شریر — این آقایان جامه بلند — وحشت زده فرار را بر قرار ترجیح دادند . همراه با رشد جنبش دهقانی قدرت مذهبی هم از هر سو فرو میریزد . اتحادیه‌های دهقانی در بسیاری نقاط معابد خدایان را اشغال نمودند و از آنها برای تشکیل جلسات اتحادیه استفاده کردند . آنها در همه جا مصادره املاک و اموال معابد را مطالبه میکنند تا بتوانند مدارس دهقانی تأسیس نمایند و مخارج اتحادیه‌های دهقانی را تأمین کنند ؛ آنها این عوائد را ”عوائد خرافات“ مینامند . در شهرستان لی لینگ جنبش بخاطر از بین بردن رسوم خرافی و شکستن مجسمه‌های مقدس از هم اکنون دامنه نسبتاً وسیعی بخود گرفته است . در نواحی قسمت شمال این شهرستان دهقانان قدغن کرده‌اند که دسته‌ها از خانه‌ای بخانه دیگر بروند و برای احترام به خداوند خانه (خداوند سلامتی) عود بسوزانند . در معبد تائوئی فوپوه‌لین واقع در لوکو تعداد زیادی مجسمه مقدس وجود داشت ، اما از آنجا که گومیندان جای کافی برای کمیته بخش نداشت ، آنها را از کوچک و بزرگ در گوشه‌ای روی هم ریخت و دهقانان اعتراضی به اینکار نکردند . از آن پس هر وقت که کسی از خانواده‌ای میمرد ، خیلی بندرت اتفاق می‌افتاد که برای خدایان قربانی کنند ، مراسم مذهبی انجام دهند و چراغهای مقدس پیشکش نمایند . مبتکر این جنبش سون سیائو شان که صدر یک اتحادیه دهقانی بود ، شدیداً مورد کینه راهبان تائوئی محل قرار گرفت . در سومین ناحیه شمال در معبدالهه لون فون دهقانان و آموزگاران مجسمه‌های مقدس را شکستند و از چوب آنها برای طبخ گوشت استفاده کردند . در ناحیه جنوب محصلین و دهقانان بیش از سی مجسمه مقدس چوبی معبد دون فو را سوزاندند و فقط دو مجسمه کوچک ”بائوگون“ مصون ماند که دهقان پیری آنها را برداشت و گفت : ”کفر نکنید !“ در نقاطی که قدرت دهقانی مسلط است ، فقط دهقانان سالخورده و پیر زنان به اعتقادات خود باقی

مانده‌اند و دهقانان جوان و سالمند از اعتقادات مذهبی خود دست برداشته‌اند . از آنجا که اتحادیه‌های دهقانی در دست آنهاست ، این اتحادیه‌ها در همه جا فعالیت میکنند تا قدرت مذهبی و خرافات را در هم شکنند . اما در باره اقتدار شوهر - این اقتدار در بین دهقانان فقیر همیشه ضعیف‌تر بوده است ، زیرا که وضع اقتصادی ایجاب میکند که زنان آنها بیشتر از زنان طبقات مرفه در کار شرکت جویند . از اینرو زنان در امور خانوادگی بیشتر حق اظهار نظر و حق اتخاذ تصمیم دارند . طی سالهای اخیر بعلت و رشکستگی روزافزون اقتصاد روستائی پایه اصلی تسلط مرد بر زن ویران شده است . با پیدایش جنبش دهقانی زنان اکنون در بسیاری نقاط به ایجاد سازمان‌های روستائی زنان دست زده‌اند . اکنون زمانی فرارسیده است که آنها میتوانند سربلند کنند ، و اقتدار شوهر روز بروز متزلزلتر میشود . بطور خلاصه مجموعه ایدئولوژی و سیستم فئودالی - پادشاهی در برابر بسط اقتدار دهقانان دستخوش تزلزل میگردد . معدلك فعلا مساعی دهقانان بطور عمده مصروف انهدام قدرت سیاسی مالکان ارضی است . در جائی که این قدرت کاملاً منهدم شده ، دهقانان علیه سیستم قبیله‌ای ، علیه سیستم مذهبی ، علیه اسارت زن توسط مرد در خانواده شروع به حمله کرده‌اند . معینا این تعرض هنوز در مرحله "مقدمائی" است ، و این سه سیستم را فقط زمانی میتوان کاملاً از بین برد که دهقانان در مبارزه اقتصادی به پیروزی قطعی رسیده باشند . بهمین جهت ما اکنون باید دهقانان را راهنمایی کنیم که حداکثر کوشش خود را در راه مبارزه سیاسی بخاطر سرنگونی کامل قدرت مالکان ارضی بکار برند . سپس باید بدون تأمل مبارزه اقتصادی را برای حل ریشه‌ای مسئله زمین و سایر مسایل اقتصادی دهقانان فقیر آغاز کرد . در مورد سیستم قبیله‌ای ، خرافات و عدم تساوی میان زن و مرد باید گفت که از بین بردن اینها نتیجه طبیعی

پیروزی در مبارزات سیاسی و اقتصادی خواهد بود. بر عکس هرگاه ما بیش از حد کوشش بخرج دهیم که آنها را جبراً و بی موقع از بین ببریم، مستبدین محلی و متنفذین شریر آنها برای تبلیغات ضد انقلابی خود بهانه قرار خواهند داد و خواهند گفت که "اتحادیه‌های دهقانی به نیاکان احترام نمیگذارند"، "اتحادیه‌های دهقانی خدایان را به مسخره میگیرند و مذهب را نابود میکنند"، "اتحادیه‌های دهقانی میخواهند زن را اشتراکی کنند" و اینها همه بخاطر خرابکاری در جنبش دهقانی است. نمونه روشن این امر در حوادثی که اخیراً در شهرستان سیان واقع در استان خونان و شهرستان یان سین واقع در استان حوبه روی داده و مالکان ارضی آنجا از مخالفت دهقانان با انهدام مجسمه‌های مقدس سؤاستفاده کرده‌اند، در اختیار ماست. این مجسمه‌ها را دهقانان خود بر پا کرده‌اند و زمانی فرا خواهد رسید که خودشان با دست خود آنها را سرنگون سازند. لازم نیست که دیگران پیش از موقع بجای آنها باین کار پردازند. در زمینه تبلیغاتی، سیاستی که حزب کمونیست در مورد این مسئله باید از آن پیروی کند، اینست: "کمان را بکش ولی تیر را رها مکن، فقط شیوه عمل را نشان بده." (۲۰) این دهقانان هستند که باید مجسمه‌های مقدس، معابد دخترانی که برای دفاع از ناموس خود مرده‌اند، و طاق‌هائی که به افتخار بیوه زنان پاکدامن و با وفا بر پا کرده‌اند، منهدم سازند. اشتباه خواهد بود اگر در این کار دیگران خود را بجای دهقانان بگذارند.

وقتیکه من در روستا بودم، منهم علیه خرافات در میان دهقانان تبلیغ میکردم. من میگفتم:

"اگر به طالع‌بینی اعتقاد دارید برای آنست که به سرنوشت بهتری امیدوارید؛ اگر به فال خاک اعتقاد دارید برای آنستکه به تأثیر نیک مقبره

نیاکان امیدوارید . امسال در ظرف چند ماه مستبدین محلی و متنفذین شریر و مأمورین فاسد و مختلس همه سرنگون گردیدند . آیا ممکن است که تا چند ماه پیش بخت و اقبال به آنها لبخند میزده و مقبره نیاکان بحال آنها مساعد بوده ، اما در این ماههای اخیر بخت یکباره از آنها برگشته و مقبره نیاکان آنها دیگر تأثیر نیک نبخشد ؟ مستبدین محلی و متنفذین شریر اتحادیه های دهقانی شما را با این عبارات مورد مسخره قرار میدهند : ' واقعاً عجیب است ! دنیای امروز متعلق به اعضاء کمیته است . نگاه کنید انسان نمیتواند حتی برای ادرار کردن خارج شود بدون آنکه به آنها بر بخورد . ' و این حقیقتی است ؛ در شهر ، در روستا ، در اتحادیه های کارگری ، در اتحادیه های دهقانی ، در گومیندان ، در حزب کمونیست در همه جا اعضاء کمیته های اجرایی هستند ؛ واقعاً دنیای امروز دنیای اعضاء کمیته هاست . اما آیا این امر مربوط به طالع یا مقبره نیاکان است ؟ عجیب ! طالع هر يك از این سیه روزان روستا بغتاً مساعد میشود ، و بغتاً مقبره نیاکان آنها بحالشان مساعد میگردد . و خدایان ؟ آنها را میتوان پرستید . اما اگر شما فقط خداوند گوان و الهه بخشنده میداشتید و نه اتحادیه های دهقانی ، آیا میتوانستید مستبدین محلی و متنفذین شریر را سرنگون سازید ؟ اینها خدایان و الهه های حقیری هستند ، شما قرنهای آنها را پرستش کرده اید ولی هیچیک از آنها برای خوشایند شما حتی يك مستبد محلی و يك متنفذ شریر را هم سرنگون نساخت ! اکنون شما میخواهید که بهره مالکانه تقلیل یابد ، من میخواهم از شما سؤال کنم : چگونه در نظر دارید باینکار توفیق یابید ؟ با اعتقاد بخدایان یا با اعتقاد به اتحادیه های دهقانی ؟ "

گفته های من دهقانان را بخنده در آورد .

۸ - توسعه تبلیغات سیاسی

آیا ممکن بود حتی با ایجاد ده هزار مدرسه علوم قضائی و سیاسی در اندک زمانی همه را از زن و مرد، پیر و جوان در دهات دور دست و در دور افتاده‌ترین گوشه‌ها از لحاظ سیاسی تربیت کرد، آنگونه که اتحادیه‌های دهقانی تربیت کردند؟ من فکر نمیکنم. شعارهای سیاسی "مرگ بر امپریالیسم!" "مرگ بر دیکتاتورهای نظامی!" "مرده باد مأمورین فاسد و مختلس!" "مرده باد مستبدین محلی و متنفذین شریر!" پرگرفتند و در دهات بیشماری در میان توده‌های جوانان، مردان، پیران، کودکان و زنان راه یافتند، در ذهن آنان نقش بستند و سرانجام بر سر لبهای آنان افتادند. مثلاً گروهی از کودکان را که به بازی مشغولند، در نظر بگیرید، وقتیکه یکی از آنها با دیگری نزاع میکند، چشمان خود را فراخ باز مینماید، پا بر زمین میکوبد، مشت بهوا حواله میدهد، شما یقیناً صدای نافذی را میشنوید: "مرگ بر امپریالیسم!"

در شهرستان سیان تن وقتی کودکان گاوچران جنگ بازی میکنند، یکی از آنها تان شن جی میشود و دیگری یه کای سین (۲۱) و بعد یکی از آن دو مغلوب میشود و دیگری او را تعقیب میکند، فاتح همیشه تان شن جی است و فراری یه کای سین. سرود "مرده باد قدرتهای امپریالیستی!..." را نه تنها همه کودکان شهر و حتی بسیاری از کودکان روستا نیز میتوانند بخوانند.

در روستا بعضی از دهقانان میتوانند حتی وصیت‌نامه دکتر سون یاتسن را از حفظ بخوانند. آنها از این وصیت‌نامه کلمات یا عباراتی مانند "آزادی"، "برابری"، "سه اصل خلق"، "قرار دادهای نامساوی" را بیرون میکشند

و آنها را بصورت خشك در زندگی روزمره بکار می‌برند . روزی مردی که قیافه مالك داشت ، در جاده باریکی بدهقانی برخورد . مرد باد در غبغب انداخت و بدهقان امکان عبور نداد ، دهقان خشمگین ، فریاد کشید ” بروگم شو ، مستبد محلی ، متنفذ شیریر مگر تو از سه اصل خلق خبر نداری ؟ “ سبزیکاران اطراف چان شا وقتی سبزی خود را بشهر می‌آوردند ، پیوسته مورد اذیت و آزار پلیس قرار می‌گرفتند . اما اکنون آنها سلاحی یافته‌اند ، این سلاح همان سه اصل خلق است . هنگامیکه افراد پلیس آنها را می‌زنند یا بآنها دشنام می‌گویند ، سبزیکاران فوراً برای دفاع به سه اصل خلق توسل می‌جویند و دهان افراد پلیس را می‌بندند . زمانی در سیان تن اتحادیه دهقانی يك بخش بر سر موضوعی با اتحادیه دهقانی یک دهستان اختلاف پیدا کرده بود ؛ صدر اتحادیه اخیر اعلام می‌کرد : ” ما مخالف قراردادهای نامساوی هستیم که اتحادیه دهقانی بخش می‌خواهد بما تحمیل کند ! “

توسعه تبلیغات سیاسی در سراسر روستا فقط خدمت حزب کمونیست و اتحادیه‌های دهقانی است . شعارها ، تصاویر و سخنرانیهای ساده در میان دهقانان چنان تأثیر سریع و عمیق بجا گذارده‌اند که چنین بنظر میرسد هر يك از آنها در مدرسه سیاسی پرورش یافته است . بنابر گزارشهایی که رفقای مأمور کار در روستا داده‌اند ، تبلیغات سیاسی در سه میتینگ توده‌ای بزرگ تعمیم بسیار یافته‌است — تظاهرات ضد انگلیسی ، مراسم سالگرد انقلاب اکتبر و مراسم جشن بزرگ پیروزی لشگرکشی بشمال . در جریان این میتینگها در هر جا که اتحادیه‌های دهقانی وجود داشت ، تبلیغات سیاسی وسیعی بعمل آمد و تمام روستاها را بحرکت در آورد و ثمرات بزرگی داد . در آینده باید توجه داشت که از تمام امکانات استفاده کرد و به شعارهای ساده فوق‌الذکر مضمونی غنی‌تر و مفهومی روشن‌تر داد .

۹ - ممنوعیت‌هایی که دهقانان معین کرده‌اند

بمحض آنکه اتحادیه‌های دهقانی زیر رهبری حزب کمونیست اقتدار خود را در روستا برقرار نمودند، دهقانان هر آنچه که بنظرشان ناخوشایند بود، قدغن کردند یا محدود ساختند. ورق "ماجیان"، قماربازی، تریاک کشی سه چیزی است که اکیداً ممنوع شدند.

"ماجیان" و غیره. در جایی که اتحادیه‌های دهقانی نیرومندند، "ماجیان"، دومینو و ورق بازی بکلی ممنوع گردیده است.

در ناحیه ۱، شهرستان سیان میان اتحادیه دهقانی بخش دو سبد پراز وسایل بازی "ماجیان" را سوزانید.

اگر شما به روستا بروید خواهید دید که اثری از این بازی‌ها نیست و آنهایی که بر خلاف دستور عمل میکنند، بلافاصله و بدون کوچکترین اغماض تنبیه میشوند.

قماربازی. "قماربازان" سابق خودشان قماربازی را منع میکنند. در جایی که اتحادیه‌های دهقانی نیرومندند، قماربازی نیز کاملاً از بین رفته است. تریاک کشی. کشیدن تریاک اکیداً ممنوع است. هنگامیکه

اتحادیه‌های دهقانی فرمان دادند که همه وافورها را تحویل دهند، هیچکس جرأت نکرد از آن ذره‌ای سرپیچی کند. در لی لین یک متنفذ شریر که وافور خود را تحویل نداده بود، توقیف گردید و دوره گردانیده شد.

پیکار "خلع سلاح تریاکی‌ها" از جانب دهقانان، از لحاظ شدت بهیچوجه دست کمی از پیکار خلع سلاح سپاهیان اوپی فو و سون جوان فان (۲۲) توسط ارتش لشکر کشی بشمال نداشت. "اشخاص زنده باد برایشان کشیده شده" (متنفذین شریر از روی تمسخر به دهقانان زنده باد میگویند) بسیاری از پدران پیر

محترم افسران ارتش انقلابی را که به تریاک اعتیاد شدید داشتند و نمیتوانستند از وافورهای خود بگذرند ، "خلع سلاح" کردند . این اشخاص نه تنها کشت خشخاش و کشیدن تریاک بلکه حمل و نقل آنرا نیز قدغن کردند . مقادیر هنگفتی تریاک که از استان گوی جو از طریق بائو چین ، سیان میان ، یوسیان ولی لین به استان جیان سی حمل میشد ، ضبط و سوزانیده شد . اما اینکار عواید دولت را تقلیل داده است . سرانجام اتحادیه دهقانی این استان با توجه به لزوم تأمین وجه ارتش لشگر کشی بشمال به اتحادیه های دهقانی مدارج پائین دستور داد که "موقتاً اجرای دستور منع حمل و نقل تریاک را بتأخیر اندازند" . معذک دهقانان از این کار سخت ناراضی بودند .

علاوه بر این سه مورد آنچه که دهقانان ممنوع و یا محدود کرده اند ، زیادند . ما بعضی از آنها را در زیر میاوریم :

"حواگو" . نوعی تئاتر مبتدل است که در بسیاری از نقاط ممنوع

گردیده است .

تخت روان . در بسیاری از شهرستانها ، بویژه در سیان^۱ سیان اتفاق می افتاد که تخت روانها را میشکستند . دهقانان از کسانی که از تخت روان استفاده میکنند ، سخت منزجرند و دائماً مترصدند که این تخت روانها را بشکنند ، ولی اتحادیه های دهقانی آنها را از اینکار منع میکنند . مسئولین اتحادیه های دهقانی بدهقانان توضیح میدهند : "شما با شکستن تخت روانها فقط به ثروتمندان امکان میدهید که کمتر پول خرج کنند ، در عین حال حاملین تخت روان را محکوم به بیکاری میکنید . اینکار بچه کسی جز خودتان زیان میرساند ؟" دهقانان موضوع را بخوبی درک نمودند و وسیله دیگری ابداع کردند : آنها برای تنبیه ثروتمندان تا کس تخت روانها را بمقدار زیادی بالا بردند .

تهیه الکل و قند. دهقانان در همه جا استفاده از غلات را برای تهیه الکل و قند ممنوع ساختند و این امر موجب شکایات پی در پی تهیه کنندگان الکل و قند گردید. در فوتیان پو واقع در شهرستان حن شان دهقانان تهیه الکل را ممنوع نکردند بلکه قیمت فروش آنها بسیار پایین آوردند که تهیه کنندگان مشروبات الکلی دیگر سودی از اینکار نمیبردند، مجبور شدند از این کار صرفنظر کنند.

خوکها. تعداد خوکهایی که هر خانواده میتواند پرورش دهد، محدود گردید، زیرا که برای تغذیه آنها غله لازم است.

مرغ و مرغابی. در سیان سیان پرورش مرغ و مرغابی ممنوع گردیده است. این امر موجب اعتراض زنان شد. در یان تان واقع در شهرستان حن شان هر خانواده مجاز است سه مرغ یا مرغابی داشته باشد و در فوتیان پو پنج مرغ یا مرغابی. در بسیاری از نقاط پرورش مرغابی اکیداً ممنوع است زیرا که نه فقط برای نگاهداری آنها غله لازم است بلکه آنها نهالهای برنج را از بین میبرند و بنا بر این از مرغ هم بدترند.

ضیافتها. ضیافتهای پرتجمل در همه جا ممنوع گردیده است. در شائو شان واقع در شهرستان سیان تن تصمیم گرفته شد که در میهمانیها فقط غذای مرغ، ماهی و خوک داده شود. خوردن غذاهائی که با نهال خیزران و اشنه دریائی و رشته لوییا تهیه میشود، ممنوع است. در شهرستان حن شان در هر ضیافت تعداد غذاها نباید از هشت تجاوز کند. در سومین ناحیه شرق شهرستان لی لین فقط میتوان پنج نوع غذا خورد، در دومین ناحیه شمال سه نوع غذای گوشت و سه نوع سبزی، در سومین ناحیه غرب ضیافتهای سال نو ممنوع گردیده است. در شهرستان سیان سیان "ضیافت کوکوی تخم مرغ" ممنوع شده با اینکه این ضیافت دیگر مجلل نیست. موقعیکه

يك خانواده در دومین ناحیه سیان سیان برای عروسی پسر خود چنین ضیافتی ترتیب داد ، گروهی از دهقانان بمنزل او که دستور را نقض کرده بود ، ریختند و ضیافت را بهم زدند . در شهر كوچك جیاسو واقع در شهرستان سیان سیان از اغذیه گران قیمت پرهیز مینمایند و بجای قربانی برای نیاکان میوه خیرات میکنند .

گاو . گاو برای دهقانان گنجی است . ضرب‌المثل ”هر کس گاو را بکشد ، در زندگی آینده بشکل گاو در می‌آید“ کاملاً در حکم دستور مذهبی است . از اینجهت هیچوقت نباید گاو را کشت . دهقانان پیش از رسیدن بقدرت نمیتوانستند جز با تشبث به آئین مذهبی از کشتار گاو جلوگیری کنند ، چون قدرتی برای ممنوع ساختن این عمل نداشتند . از موقعیکه اتحادیه‌های دهقانی روی کار آمدند ، حتی این حیوانات را هم زیر نظارت خود در آوردند و کشتار آنها را در شهر ممنوع ساختند . از شش گوشت فروشی مرکز سیان تن اکنون پنج تای آنها بسته شده و تنها یک گوشت فروشی باقی مانده و آنها هم گوی را کشتار میکند که بعلت بیماری و یا از دست دادن نیروی کار دیگر بدرد کاری نخورد . در سراسر شهرستان حن شان کشتار گاو اکیداً ممنوع گردیده است . دهقانی که پای گاوش شکسته بود ، قبل از اینکه جرأت بکند گاو را بکشد ، از اتحادیه دهقانی اجازه خواست . هنگامیکه اطاق تجارت جوجو گوی را بدون اندیشیدن به نتایج آن ذبح کرد ، دهقانان به شهر آمدند و توضیح خواستند و اطاق تجارت مجبور شد جریمه پردازد و با ترکاندن ترقه معذرت بخواهد .

ولگردی . در شهرستان لی لین تصمیم گرفته شد که گدائی از طرق طبل زدن بمناسبت سال نو ، ستودن خدایان محلی و آواز خواندن باهنگ قاشقك ممنوع میشود . در شهرستانهای مختلف دیگر هیچکس باین نوع گدائی

دست نمیزند - حال چه ممنوع شده باشد و چه خود بخود از میان رفته باشد .
 "گدایان قلچماق" یا "ولگردان" که معمولاً خیلی گردن کلفتی میکردند ،
 اکنون مجبورند در برابر اقتدار اتحادیه‌های دهقانی سرتسلیم فرود آورند .
 در شائوشان واقع در شهرستان سیان تن ولگردان بدون اینکه از کسی بترسند ،
 معبد خداوند باران را پاتوغ خود کرده بودند ؛ ولی وقتی که اتحادیه‌های
 دهقانی تشکیل شدند ، همه آنها بی سر و صدا آنجا را ترك گفتند . در همین
 شهرستان اتحادیه دهقانی دهستان حوتی سه ولگرد را گرفت و مجبور ساخت
 برای کوره آجرپزی خاک رس حمل کنند . برای منع رسوم مذموم دید و
 بازدید سال نو نیز تصمیماتی اتخاذ شده است .

بعلاوه در نقاط مختلف يك سلسله ممنوعیت‌های کوچک اعلام گردیده
 است : در شهرستان لی لین مثلاً براه انداختن دسته و سوزانیدن عود با احترام
 خداوند سلامتی ، خرید تنقلات و میوجات برای هدیه ، سوزانیدن البسه
 کاغذی در روز عید مردگان بخاطر تسکین ارواح و الصاق تصویر خداوندان
 نگاهبان خانه در موقع سال نو ممنوع گردیدند . در ناحیه گوشوی واقع در
 شهرستان سیان حتی استعمال قلیان هم ممنوع شد . در ناحیه ۲ همین
 شهرستان استعمال ترقه و فشفشه سه سوراخه قدغن شده است ؛ در مورد اول
 جریمه آن ۱،۲ یوان و در مورد دوم ۴،۳ یوان است . انجام مراسم مذهبی
 در ناحیه ۷ و ۲ و هدایای پولی برای دفن در ناحیه ۱۸ ممنوع گردیده
 است . همه اینها را میتوان در يك کلام ممنوعیت‌های دهقانی خواند ؛ این
 ممنوعیتها به اندازه‌ای زیادند که شمارش تمام آنها ممکن نیست .

این ممنوعیتها از دو نظر دارای اهمیت فراوان اند : اولاً مبین عصیان
 علیه عادات اجتماعی مضر مانند بازی ماجیان ، قماربازی و تریاک کشی است .
 این عادات از محیط سیاسی فاسد طبقه مالکان ارضی بر میخیزد و با فروریختن

اقتدار مالکان ارضی از بین می‌رود. ثانیاً دفاع از خود در برابر استعمار بازرگانان شهرهاست، مثلاً ممنوعیت ترتیب ضیافتها، خرید تنقلات و میوجات برای هدیه و غیره. از آنجا که قیمت محصولات صنعتی بسیار گران و قیمت محصولات کشاورزی بسیار ارزان است و دهقانان در فقر زیاد بسر می‌برند و از طرف بازرگانان بیرحمانه استعمار میشوند، دهقانان برای دفاع از خود مجبورند در همه چیز صرفه‌جوئی توصیه کنند. اما ممنوعیت صدور غله که در بالا از آن سخن رفت، از این امر ناشی میشود که دهقانان فقیر که خود به اندازه کافی غله ندارند، مجبورند آنها را در بازار بخرند و از اینرو میخواهند از افزایش قیمت غله جلوگیری نمایند. اینها همه از فقر دهقانان و تضاد میان شهر و روستا ناشی میشود و بهیچوجه به معنی آن نیست که دهقانان محصولات صنعتی را تحریم میکنند و از داد و ستد با شهر خودداری می‌ورزند تا از دکتترین تمدن شرق (۲۳) پیروی کرده باشند. دهقانان باید بمنظور دفاع از منافع اقتصادی خود کثوپراتیوهای مصرفی ایجاد کنند تا مشترکاً کالاهای مصرفی خود را خریداری نمایند. برای اینکه اتحادیه‌های دهقانی بتوانند کثوپراتیوهای اعتباری (برای وام دادن) ایجاد کنند، کمک دولت نیز ضروری است. واضح است که در اینصورت دهقانان احتیاجی نمی‌بینند که صدور غلات را بخاطر جلوگیری از افزایش قیمت آن ممنوع سازند و یا بخاطر دفاع از منافع اقتصادی خود از ورود پاره‌ای از محصولات صنعتی به روستا جلوگیری نمایند.

۱۰ - برانداختن راهزنی

من تصور میکنم که در چین از زمان یو، تان، وین و او گرفته تا امپراطورهای سلسله تسین و رؤسای جمهوری چین هرگز زمامداران برای

برانداختن راهزنی از چنین قدرتی بهره‌مند نبوده‌اند که اکنون اتحادیه‌های دهقانی بهره‌مندند. در آنجائی که اتحادیه‌های دهقانی نیرومندند، اثری از راهزنان نیست. جالب توجه اینست که در بسیاری از نقاط حتی از دزدان سبزیجات نیز اثری مشاهده نمی‌شود. البته در گوشه و کنار هنوز دزدانی یافت می‌شوند. اما در تمام شهرستانهایی که من دیدن کردم و حتی در آنجائی که سابقاً پر از راهزنان بود، بساط راهزنی بکلی برچیده شده است. علت این امر چنین است: ۱ - راهزنان جائی برای اختفاء نمیابند، زیرا در همه جا، در کوه‌ها و دره‌ها اعضاء اتحادیه‌های دهقانی وجود دارند و به اولین دعوت صدها "نیزه بلند" و "چوبدست کوتاه" آماده می‌شوند؛ ۲ - با رشد جنبش دهقانی قیمت غله کاهش یافته است. در بهار گذشته قیمت يك "دن" (۲۴) برنج پوست نکنده ۶ یوان بود، در زمستان گذشته قیمت آن تا ۲ یوان پائین آمد - و از اینرو مسئله تأمین خواربار اهالی دیگر دارای آن حدت سابق نیست؛ ۳ - اعضاء جمعیت‌های مخفی (۲۵) به اتحادیه‌های دهقانی وارد شده‌اند؛ آنها میتوانند در آنجا آشکارا و بطور قانونی نقش قهرمان را بازی کنند، و نارضائی‌های درونی خود را ابراز دارند، بدین ترتیب سازمانهای مخفی "کوه"، "معبد"، "عود" و "رودخانه" (۲۶) علت موجودیت خود را از دست داده‌اند. آنها با کشتن خوک‌ها و گوسفندان مستبدین محلی و متنفذین شریر و با گرفتن اعانه‌های گزاف و جریمه‌های سنگین به اندازه کافی خشم خود را علیه این ستمگران ابراز داشته‌اند؛ ۴ - ارتشها به تعداد زیادی سرباز گرفته‌اند و بسیاری از "متخلفین" وارد ارتش شده‌اند. بدین ترتیب با اعتلاء جنبش دهقانی راهزنی بکلی از بین رفته است. حتی متنفذین و ثروتمندان نیز این جنبه فعالیت اتحادیه‌های دهقانی را تأیید میکنند. آنها می‌گویند: "اتحادیه‌های دهقانی؟ باید انصاف داد که آنها

جنبه مثبتی هم دارند .“

منع ماجیان و قماربازی و تریاک کشی و همچنین برانداختن راهزنی تمایل عمومی را نسبت به اتحادیه‌های دهقانی جلب کرده است .

۱۱ - لغو مالیاتهای کمرشکن

تا هنگامیکه کشور به وحدت نرسیده و قدرت امپریالیسم و دیکتاتورهای نظامی سرنگون نگردیده ، ممکن نیست که بتوان دهقانان را از زیر بار سنگین مالیاتهای دولتی یا بعبارت صریحتر از زیر بار مخارج نظامی ارتش انقلابی بیرون کشید . معذک همراه با اعتلاء جنبش دهقانی و در هم شکستن اقتدار مستبدین محلی و متنفذین شریر مالیاتهای کمرشکن مانند مالیاتهای ارضی بر حسب ”مو“ که در زمان اداره روستا به دست مستبدین محلی و متنفذین شریر بر دوش دهقانان سنگینی میکرد ، یا لغو شده‌اند و یا لاقلاً تخفیف یافته‌اند . جا دارد که این موضوع نیز جزو خدمات اتحادیه‌های دهقانی گذارده شود .

۱۲ - جنبش فرهنگی

در چین همیشه فرهنگ از امتیازات مالکان ارضی بوده است و دهقانان در آن سهمی نداشته‌اند . معذک مالکان ارضی فرهنگ خود را مدیون دهقانان‌اند ، زیرا آنچه که فرهنگ مالکان ارضی را تشکیل میدهد با خون و عرق جبین دهقانان بدست آمده است ، نه با چیز دیگر . نود درصد از مردم چین به فرهنگ دسترسی ندارند و در این میان دهقانان اکثریت عظیمی را تشکیل میدهند . با فروریختن قدرت مالکان ارضی در روستا جنبش فرهنگی دهقانان آغاز گردیده است . بپنید دهقانان ، دهقانانی که همیشه از مدرسه بیزار

بوده‌اند ، اکنون با چه شوری مدارس شبانه را افتتاح میکنند . دهقانان هیچوقت از "مدارس سبک خارجی" خوششان نمی‌آمد . هنگامیکه من محصل بودم ، هر وقت که به ده بر میگشتم ، مخالفت دهقانان را با این مدارس مشاهده میکردم من هم با محصلین و معلمین این مدارس همصدا میشدم ، جانب آنان را میگرفتم و همیشه چنین احساس میکردم که دهقانان کم و بیش در اشتباهند . فقط در سال ۱۹۲۵ پس از آنکه شش ماه در روستا گذراندم - من در آنموقع کمونیست بودم و نظریات مارکسیستی را پذیرفته بودم - پی بردم که در اشتباه بوده‌ام و دهقانان حق داشته‌اند . در مدارس ابتدائی روستائی کتب درسی کاملاً از موضوع‌های مربوط به شهر پر بود و پاسخگوی نیازمندیهای روستا نبود . بعلاوه آموزگاران این مدارس با دهقانان برخورد خشن داشتند و بجای آنکه به دهقانان کمک کنند ، تنفر دهقانان را علیه خویش بر میانگیختند . بهمین جهت دهقانان مدارس نوع قدیم را (که "کلاسهای چینی" مینامیدند) بر مدارس نوع جدید (که "کلاسهای خارجی" میخواندند) ترجیح میدادند . بهمین قسم آنها آموزگاران مدارس نوع قدیم را بر آموزگاران مدارس نوع جدید ترجیح میدادند . اکنون دهقانان با شوق زیادی مدارس شبانه را ایجاد میکنند و آنها را مدارس دهقانی مینامند . در بعضی نقاط این مدارس هم اکنون افتتاح شده‌اند و در نقاط دیگر در تدارك افتتاح آنها هستند . بطور متوسط هر دهستان دارای يك مدرسه است . دهقانان برای ایجاد آنها شور و شوق بسیاری از خود نشان میدهند و تنها چنین مدارسی را از آن خود میشمارند . مخارج اداره مدارس شبانه از "عوائد خرافات" ، از درآمد معابد نیاکان و از عوائد و درآمدهای غیر اختصاصی برداشت میشود . ادارات آموزشی شهرستان در نظر داشتند کلیه این عوائد را برای مدارس نوع جدید یعنی "مدارس سبک

خارجی“ که به نیازمندیهای دهقانان پاسخ نمیداد ، مورد استفاده قرار دهند ، در حالیکه دهقانان میخواستند آنها را برای مدارس خود بمصرف رسانند ، لذا پس از بحث تصمیم به تقسیم این عوائد گرفته شد و در بعضی از نقاط این عوائد بطور کامل در اختیار دهقانان قرار گرفت . همراه با رشد جنبش دهقانی سطح فرهنگی دهقانان بسرعت بالا رفت . آنزمان دور نیست که در دهات این استان دهها هزار مدرسه بر پا شود ؛ این امر با پرگوئیهای تحصیل کردهها و باصطلاح ”مربیان“ در باره ”تعمیم آموزش“ که علیرغم سروصدائی که دائماً در اطراف آن برآه انداخته شد و هرگز جز باد هوا چیز دیگری نبود ، هیچ وجه مشترکی ندارد .

۱۳ - جنبش کئوپراتیوی

دهقانان واقعاً به کئوپراتیوها احتیاج دارند بویژه به کئوپراتیوهای مصرفی ، فروش و اعتباری . دهقانان موقع خرید اجناس از طرف بازرگانان استثمار میشوند ، موقع فروش محصولات خود بازرگانان سر آنها را کلاه میگذارند و بالاخره وقتی پول یا برنج بقرض میگیرند از جانب رباخواران استثمار میشوند ، بهمین جهت آنها در حل این سه مسئله علاقه شدیدی ابراز میدارند . زمستان گذشته هنگامیکه بعلت عملیات نظامی در دره رودخانه یان تسه راه تجارتنی قطع گردید و قیمت نمک در حونان گران شد ، تعداد زیادی از دهقانان کئوپراتیوهائی برای خرید نمک ایجاد کردند . از آنجا که مالکان ارضی از دادن قرضه بدهقانان خودداری میورزیدند ، در بسیاری از نقاط برای تأسیس ”صندوقهای تعاونی“ کوششهایی بعمل آمد . در حال حاضر مسئله عمده فقدان اساسنامه مفصل و نمونه برای چنین سازمانهایی است . این سازمانها که به ابتکار خود دهقانان در هر محل

ایجاد میشود ، غالباً با اصول کثوپراتیو مطابقت ندارد . بدین جهت رفقائی که با جنبش دهقانی سروکار دارند ، با علاقه زیاد دائماً سراغ چنین "اساسنامه‌ای" را میگیرند . جنبش کثوپراتیوی اگر از يك رهبری مناسب برخوردار گردد ، متناسب با رشد اتحادیه‌های دهقانی در همه جا توسعه خواهد یافت .

۱۴ - ترمیم جاده‌ها ، برکه‌ها و سدها

این نیز یکی از دستاوردهای اتحادیه‌های دهقانی است . پیش از پیدایش اتحادیه‌های دهقانی جاده‌های روستا فوق‌العاده خراب بود . بدون پول امکان نداشت به تعمیر آنها دست زد و پولداران از دادن وجوه لازم خودداری میکردند ، بدین ترتیب جاده‌ها را کاملاً بحال خود وا گذاشته بودند . اگر گاهی تعمیراتی صورت میگرفت ، بعنوان امور خیریه تلقی میشد ؛ از اشخاصی که مایل بودند "کار نیکی انجام دهند تا توشه آخرت شان باشد" مبلغ ناچیزی جمع‌آوری میکردند و با آن چند جاده تنگ و بد میساختند . هنگامیکه اتحادیه‌های دهقانی پدید آمدند ، مقرر داشتند که هر مالک ارضی که املاکش در کنار جاده واقع است ، باید تعمیر جاده را در آن قسمت بر عهده گیرد ، بعلاوه در موارد مختلف بنابر احتیاج عرض جاده را نیز تعیین مینمودند : سه ، پنج ، هفت "چی" یا یک "جان" (۲۷) . چه کسی جرأت داشت از اجرای این دستور سرپیچی کند ؟ در اندک زمانی جاده‌های خوب بسیاری ساخته شد . و این کار نه تعنت عنوان امور خیریه بلکه از روی اجبار انجام میگرفت ؛ کمی از این قبیل اجبار بهیچوجه بد نیست . در مورد برکه‌ها و سدها نیز وضع بدینمنوال بود . مالکان ارضی بیرحم تمام فکر و ذکرشان این بود که هر چه میتوانند بیشتر از چنگ دهقانان اجاره‌دار بدر آورند و هرگز کمترین خرجی برای تعمیر

برکه‌ها و سدها نکنند. آنها بدون آنکه بچیز دیگری جز دریافت بهره مالکانه بیندیشند، برکه‌ها را در معرض خشک شدن قرار میدادند و دهقانان اجاره‌دار را به گرسنگی و قحطی محکوم میکردند. اکنون که اتحادیه‌های دهقانی وجود دارند، میتوان بدون رودربایستی به مالکان ارضی فرمان داد که برکه‌ها و سدها را تعمیر کنند. وقتی مالکان از اجرای فرمان سرباز زنند، اتحادیه دهقانی مؤدبانه به آنها میگوید: "بسیار خوب! اکنون که شما نمیخواهید تعمیر را بر عهده بگیرید باید برنج بدهید؛ یک 'دو' (۲۸) در روز برای هر نفر!" اما مالکان که در این کار سودی برای خود نمیبینند، با عجله به تعمیر برکه‌ها و سدها میپردازند. بدینسان تعداد زیادی از برکه‌ها و سدها که بحال خود رها شده بودند، تعمیر گردیدند.

تمام این چهارده دستاورد بزرگ را دهقانان تحت رهبری اتحادیه‌های دهقانی انجام داده‌اند. خوانندگان خودتان در این باره تعمق کنید و بگوئید، آیا در این دستاوردها چیزی که از لحاظ روح کلی و اهمیت انقلابی آنها بد باشد، وجود دارد؟ بنظر من فقط مستبدین محلی و متنفذین شریر میتوانند آنها را بد بدانند! شگفت‌آور است وقتی از نان چان (۲۹) می‌شنویم که اعمال دهقانان حونان مقبول خاطر آقایان چانکایشک و جان جین جیان (۳۰) و دیگران واقع نمیشود. رهبران راست حونان لیویوجی (۳۱) و شرکاء که نیز دارای چنین عقیده‌ای هستند، و همگی گفته‌اند: "این واقعاً سرخ شده‌است". اما بدون این حداقل سرخ شدن چگونه میتوان از انقلاب ملی سخن راند! وقتی که انسان روز و شب از "بیدار کردن توده‌های مردم" صحبت میکند ولی بمحض اینکه توده‌های مردم واقعاً بیدار شدند، به ترس کشنده‌ای گرفتار میشود، آیا این درست مثل داستان علاقه استاد "یه" به ازدها (۳۲) نیست؟

یادداشتها

- ۱ - حونان در این دوره مرکز جنبش دهقانی چین بود .
- ۲ - جائو هن تی ، عامل دیکتاتورهای نظامی شمال ، حکمران استان حونان بود و در ۱۹۲۶ توسط ارتش لشگرکشی بشمال سرنگون گردید .
- ۳ - انقلاب ۱۹۱۱ انقلابی بود که سلطنت مطلقه سلسله تسین را برانداخت . در ۱۰ اکتبر همین سال قسمتی از ارتش جدید سلطنت سلسله تسین تحت تأثیر سازمانهای انقلابی وقت بورژوازی و خرده بورژوازی در اوچان قیامی برپا ساخت . بدنبال آن در استانهای دیگر نیز قیامهایی بوقوع پیوستند و سلطنت سلسله تسین بسرعت سرنگون گردید . در روز اول ژانویه ۱۹۱۲ دولت موقتی جمهوری چین در نانکن تشکیل شد و سون یا تسن بریاست جمهوری موقت انتخاب گردید . این انقلاب از طریق وحدت بورژوازی ، دهقانان ، کارگران و خرده بورژوازی شهری بموفقیت انجامید . ولی چون گروه رهبری این انقلاب دارای خصلت سازشکارانه بود و نتوانست منافع واقعی دهقانان را برآورده سازد ، در اثر فشار امپریالیسم و نیروی فتودالها دستگاه دولتی بدست یوان شی کای ، یکی از دیکتاتورهای نظامی شمال افتاد و انقلاب دچار ناکامی گشت .
- ۴ - ” بجای راست کردن در جهت مخالف خم کردن “ يك اصطلاح قدیمی چینی است که معنای اصلی آن تجاوز کردن از حد مجاز برای تصحیح اشتباه است . این اصطلاح را در زمانهای قدیم غالباً بمعنای مذموم آن بکار میبردند تا فعالیت افراد را محدود نمایند و آنها را در جهت رفورم نظم موجود بکشانند و نه در جهت شکستن کامل آن . آنچه که حد و نظم را محترم میشمرد ” راست “ میخواندند و آنچه که هدفش درهم شکستن کامل نظم کهنه بود ” خمیده “ تلقی میگردید . این نوع تئوری مختص رفورمیست ها و همچنین اپورتونیستهایی است که در صفوف انقلاب رخنه کرده اند . رفیق مائو تسه دون در اینجا این تئوری رفورمیستی را رد میکند . این عبارت از متن رفیق مائو تسه دون ” برای اینکه بتوان چیزی را راست کرد باید اول آنرا در جهت مخالف خم نمود و گرنه نمیتوان آنرا راست کرد “ به این معنی است که برای خاتمه دادن به نظم کهنه فتودالی باید به شیوه های انقلابی عمل توده ها توسل جست و نه شیوه های رویونیستی - رفورمیستی .
- ۵ - دهستان کوچکترین واحد اداری چین در آن زمان بود که چند ده را دربر میگرفت . - مترجم

۶ - طی زمستان ۱۹۲۶ و بهار ۱۹۲۷ هنگامیکه ارتش لشگرکشی بشمال به حوزه رودخانه یان تسه رسید ، چهره ضد انقلابی چانکایشک هنوز کاملاً افشا نشده بود و توده‌های دهقانی او را يك انقلابی می‌شمردند . اما مالکان ارضی و دهقانان مرفه از او ناراضی بودند و چنین شایعاتی پخش می‌کردند که ارتش لشگرکشی بشمال دچار شکست شده و چانکایشک پایش زخم برداشته است . چانکایشک بمشابه یک ضدانقلابی سیمایش فقط پس از کودتای ضد انقلابی ۱۲ آوریل ۱۹۲۷ در شانگهای و نقاط دیگر هنگامیکه کشتار کارگران ، سرکوب دهقانان و تعقیب حزب کمونیست را آغاز کرد ، کاملاً افشا گردید . پس از این کودتا مالکان ارضی و دهقانان مرفه روش خود را تغییر دادند و از او پشتیبانی نمودند .

۷ - گوان دون در دوران نخستین جنگ داخلی انقلابی (۱۹۲۴-۱۹۲۷) اولین پایگاه انقلابی بود .

۸ - او پی فو یکی از نمایندگان سرشناس دیکتاتورهای نظامی شمال بود . او پی فو نیز مانند تسائو کون که در سال ۱۹۲۳ باانتخاب به مقام ریاست جمهوری مشهور گردید - انتخابی که توفیق در آن بزور پیشکشی‌های فراوان حاصل آمد - به دارودسته جی لی (حه به) دیکتاتورهای نظامی در شمال تعلق داشت . او پی فو از تسائو کون بعنوان سرکرده این دارودسته پشتیبانی می‌کرده . و معاصرین آنها این هردورا به نام "تسائو - او " میخواندند . پس از آنکه در سال ۱۹۲۰ دوان چی ژوی دیکتاتور نظامی دارودسته ان هوی را شکست داد ، او پی فو بمشابه عامل امپریالیسم انگلستان و آمریکا کنترل بردولت دیکتاتورهای نظامی شمال را برای خود تأمین کرد . ۷ فوریه ۱۹۲۳ او پی فو کارگران راه آهن پکن - حان کو را که اعتصاب می‌کردند ، قتل عام کرد و سپس در جنگ ۱۹۲۴ با جان زوه لین (معمولاً این جنگ را " جنگ دارودسته‌های جی لی و فون تیان " مینامیدند) شکست خورد و در نتیجه قدرت دولت پکن را از دست داد . در سال ۱۹۲۶ او به تحریک امپریالیستهای ژاپن و انگلستان با جان زوه لین اتحاد بست و همین امر به او امکان داد که دوباره قدرت را بدست آورد . او پی فو نخستین دشمنی بود که از طرف ارتش لشگرکشی بشمال پس از آنکه این ارتش در سال ۱۹۲۶ گوان دون را ترك گفت ، دچار شکست گردید .

۹ - سه اصل خلق اصول و برنامه سونیاتسن در مسایل ناسیونالیسم ، دموکراسی و رفاه خلق در انقلاب بورژوا - دموکراتیک چین است . در سال ۱۹۲۴ در مانیفست

نخستین کنگره ملی گومیندان سونیاتسن دوباره سه اصل خلق را فرمولبندی کرد و ناسیونالیسم را بمثابه مبارزه با امپریالیسم تعبیر نمود و خود را هوادار پشتیبانی فعال از جنبش‌های کارگری - دهقانی اعلام کرد و بدین ترتیب سه اصل قدیم خلق به سه اصل نوین خلق تبدیل گردید که حاوی سه اصل سیاسی اساسی بود: اتحاد با روسیه، همکاری با حزب کمونیست و پشتیبانی از دهقانان و کارگران. سه اصل نوین خلق که حاوی سه اصل سیاسی اساسی بود، در دوران نخستین جنگ داخلی انقلابی پایه سیاسی همکاری حزب کمونیست چین و گومیندان بود. برای توضیح بیشتر مراجعه کنید به «در باره دموکراسی نوین»، بخش ۱۰، جلد دوم از «منتخب آثار مائو تسه دون».

۱۰ - در سال ۱۹۲۷ توده‌های دهقانی هنوز نمیدانستند که نباید دهقانان مرفه را به اتحادیه‌های دهقانی راه داد.

۱۱ - یوان، جیائو، فن و وین همگی واحدهای پول چین بودند. سیستم پولی آن زمان چین عبارت بود از یوان، جیائو، فن و وین. یک یوان مساوی ده جیائو و یک جیائو مساوی ده فن بود، اینها بصورت سکه‌های نقره‌ای ضرب میشدند. یک یوان نقره‌ای حاوی ۲۴ گرام نقره ناب بود. وین سکه مسی بود و چند وین مساوی بود با یک فن. - مترجم

۱۲ - در گروه بینوایان که رفیق مائو تسه دون از آن سخن میگوید، کارگران کشاورزی (پرولترهای ده) و عناصر لومپن پرولتاریای روستا جای میگیرند.

۱۳ - صحبت بر سر نیمه پرولتاریای روستائی است.

۱۴ - دیکتاتور نظامی گوی جو که در قسمت غرب حونان لانه کرده بود.

۱۵ - درحونان "دو" و "توان" به ترتیب یعنی بخش و دهستان. ارگانهای اداری قدیم "دو" و "توان" وسایلی بودند که مالکان ارضی برای اعمال تسلط خود بر دهقانان از آنها استفاده میکردند.

۱۶ - رژیم مالکان ارضی علاوه بر مالیاتهای ارضی منظم با دریافت عوارض از هر "مو" زمین دهقانان را بیرحمانه استعمار میکرد.

۱۷ - "دو جیون‌ها" رؤسای نظامی بودند که از طرف هیئت حاکمه دیکتاتورهای نظامی شمال در هر استان مستقر میگرددند. دو جیون که در واقع دیکتاتور آن استان محسوب میشد، از قدرت سیاسی و نظامی کامل برخوردار بود. آنها با همدستی امپریالیستها در قلمرو خود نظام فتودالی - نظامی برقرار میکردند.

۱۸ - واحدهای دائمی گارد مزرعه یکی از انواع سازمانهای مسلح است که

در آنموقع در روستا وجود داشت . صفت " مزرعه " به این معنی است که تقریباً هر خانواده دهقانی باید در گارد شرکت داشته باشد . " سازمانهای گارد مزرعه " پس از شکست انقلاب در سال ۱۹۲۷ در بسیاری نقاط بدست مالکان ارضی افتاد و به سازمانهای مسلح ضد انقلابی تبدیل گردید .

۱۹ - در آن دوران بسیاری از کمیته‌های شهرستانی گومیندان که در زیر رهبری کمیته اجرائیه مرکزی گومیندان (در اوهان) قرار داشتند ، سه اصل سیاسی اساسی سون یاتسن یعنی اتحاد با روسیه ، همکاری با حزب کمونیست و پشتیبانی از دهقانان و کارگران را در عمل بکار میبستند و ارگانهای اتحاد انقلابی کمونیستها ، جناح چپ گومیندان و انقلابیون دیگر را تشکیل میدادند .

۲۰ - این اندرز که از « منسیوس » گرفته شده ، باین معنی است که يك استاد کمانگیر هنگامیکه به تعلیم فن خود میپردازد ، فقط کمان را میکشد بدون آنکه تیر را رها کند با وجود اینکه او چنین احساسی ایجاد مینماید که میخواهد تیر را در همان لحظه پرتاب کند . مؤلف این اندرز را مورد استفاده قرار میدهد برای اینکه به کمونیستها نشان دهد که باید دهقانان را طوری هدایت کنند که آنها بطور کافی به آگاهی سیاسی دست یابند . معهدا کمونیستها باید در انتظار بمانند که دهقانان خودشان با ابتکار خویش عقاید خرافی و عادات و رسوم زیانبخش دیگر خود را بدور اندازند و نه اینکه به آنان امر ونهی کنند و یا خود بجای آنها به انجام آن پردازند .

۲۱ - تان شن جی ژنرال بود که در زمان لشگرکشی بشمال در صفوف انقلاب میجنگید . به کای سین ژنرال دارودسته دیکتاتورهای نظامی شمال بود که علیه انقلاب مبارزه میکرد .

۲۲ - سون چوان فان دیکتاتور نظامی بود که بر پنج استان جیان سو ، جیه جیان ، فو جیان ، جیان سی وان هوی حکمرانی میکرد . او در سرکوب قیامهای کارگران شانگهای مانند دژخیم واقعی عمل کرد . طی زمستان ۱۹۲۶ نیروهای عمده او توسط ارتش لشگرکشی بشمال در نان چان و جیوجیان واقع در استان جیان سی مغلوب شدند .

۲۳ - دکترین تمدن شرق تئوری ارتجاعی است که هواداران آن به حفظ روش کهنه تولید کشاورزی و فرهنگ فئودالی شرقی اکتفاء میکردند و دانش و تمدن معاصر را طرد مینمودند .

۲۴ - دن واحد وزن چین است . طبق سیستم قدیمی اوزان ، هر دن تقریباً

مساوی ۶۰ کیلوگرام بود . ولی در مناطق مختلف چین یکی نبود ، در بعضی جاها يك دن از ۶۰ کیلوگرام تجاوز میکرد ، بنابر سیستم جدید کنونی ، هر دن مساوی است با ۵۰ کیلوگرام . - مترجم

۲۵ - مراجعه شود به « تحلیل طبقات جامعه چین » ، یادداشت ۱۶ ، جلد حاضر .
۲۶ - « کوه » ، « معبد » ، « عود » و « رودخانه » کلماتی بود برای نام گذاری بعضی از فرقه‌ها که جزو انجمن‌های مخفی اولیه بودند .

۲۷ - چی و جان واحد طول چین است . هر جان با ده چی و هر چی با ده تسون مساوی میباشد . هر سه چی مساوی يك متر است . - مترجم

۲۸ - دو واحد حجم چین است که هر دو مساوی ده لیتر میباشد . - مترجم
۲۹ - وقتی که در نوامبر ۱۹۲۶ نان چان توسط ارتش لشگرکشی بشمال اشغال گردید ، چانکایشک از موقعیت استفاده کرد و ستاد فرماندهی کل خود را در آنجا برپا نمود . او جناح راست گومیندان و برخی سیاستمداران دارودسته دیکتاتورهای نظامی شمال را بدور خود جمع آورد و با همکاری امپریالیستها توطئه ضد انقلابی علیه اوهان را که در آنموقع مرکز انقلاب بود ، تدارک دید . چانکایشک بالاخره در ۱۲ آوریل ۱۹۲۷ در شانگهای کودتای ضد انقلابی خود را که کشتار مردم را در پی داشت ، انجام داد .

۳۰ - یکی از رؤسای جناح راست گومیندان و یکی از مشاورین چانکایشک .
۳۱ - سرکرده « انجمن چپ » گروه مهم ضد کمونیستی این دوره در حونان .
۳۲ - منظور از داستانی بود از کتاب « سین سیو » بقلم لیو سیان که در سلسله حان میزیسته ، محتوی این داستان از این قرار است : استاد «یه» بنام زی گائو به اژدها علاقه وافر داشت و از اینجهت تمام ابزارها ، اسلحه ، مجسمه‌ها و نقاشی‌هایی که قصر او را زینت میبخشیدند ، همه شکل اژدها داشتند . اژدهائی واقعی براین امر وقوف یافت و بدیدنش آمد و از پنجره نگاهی به درون انداخت و دم خود را از در نمایان ساخت . استاد «یه» که اژدها را دید از وحشت قالب‌تپهی کرد و رنگش پرید و پا بفرار گذاشت . این نشان میدهد که استاد «یه» بهیچوجه اژدها را دوست نمیداشت بلکه تنها چیزهائی دوست میداشت که با اژدها شباهتی دارند . رفیق مائو تسه دون از این استعاره استفاده میکند برای نشان دادن این امر که چانکایشک و شرکاء او ، با اینکه پیوسته از انقلاب دم میزنند ، در واقع از انقلاب میترسند و علیه آن مبارزه میکنند .